

ارائه شده توسط

# لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و  
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn\_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

High1

Unit7

Must see Tv – Friday Highlights

باید ببینید تلویزیون – بهترین های جمعه

Nowhere to Hide

هیچ جا برای پنهان شدن

It's the fastest animal in the world. It can run up 70 m.p.h. It can climb trees and even swim, and still the cheetah may become **extinct**. You don't have to travel to Africa to find out why. Watch "The Big Cat" and learn why this beautiful animal is **endangered**, and what we ought to do to save it.

این سریع ترین جانور جهان است. میتواند بالای 70 مایل در ساعت بدود. میتواند از درختان بالا برود و حتی شنا کند و هنوز چیتا ممکن است منقرض شود. لازم نیست به افریقا سفر کنید تا بدانید چرا. "گره بزرگ" را تماشا کنید و بدانید چرا این حیوان زیبا در خطر است و ما برای نجاتش چه کار باید بکنیم.

CRITIC'S CHOICE

Can't decide what to watch? You shouldn't miss tonight's "**Medics**." Dr. Wing and Dr. Miles might finally get married. Then again, they might not. A flu epidemic means that Wing must not leave the hospital. Can Wing and Miles find a way to the altar, or do we have to wait until next season?

انتخاب منتقد

نمیتوانید تصمیم بگیرید چه نگاه کنید؟ نباید "پزشکان" امشب را فراموش کنید. دکتر وینگ و دکتر میلز ممکن است بالاخره ازدواج کنند. و بعد دوباره ممکن است نکنند. یک انفولانزای همه گیر یعنی که وینگ نباید بیمارستان را ترک کند. ایا وینگ و مالز میتوانند راهی به محراب پیدا کنند یا باید تا فصل بعد صبر کنیم؟

## MOVIE CLASSIC

In "It has to be You" baseball star Rob Gold can't hit a ball anymore. He has to face the fact that his career might be over. Then he meets a sport **psychologist**. Soon, Rob is able to hit the ball out of the park, but he can't strike up a **romance** with the beautiful psychologist.

## فیلم کلاسیک

در "باید تو باشی" ستاره ی بیسبال راب گلد دیگر نمیتواند به توپ ضربه بزند. باید با این حقیقت که شغلش ممکن است به پایان رسیده باشد روبه رو شود. سپس یک روانشناس ورزش را ملاقات میکند. خیلی زود، باب میتواند توپ را به بیرون پارک بزند اما او نمیتواند یک داستان عاشقانه با روانشناس زیبا شروع کند.

## Against The Law

Who's been killing the members of a **prestigious law firm**? It may be a dissatisfied **client**, or it might even be the head of the firm, It couldn't be that **cute** new law school graduate, or could it? You won't be able to guess. "You'd Better Not Look" will keep you in the dark until the very end.

چه کسی دارد اعضای موسسه با اعتبار حقوقی را میکشد؟ ممکن است یک موکل ناراضی یا ممکن است حتی رئیس موسسه باشد. نمیتواند ان فارغ التحصیل و کالت کیوت باشد، یا میتواند؟ ما قادر به حدس زدن نخواهیم بود. "بهتره نگاه نکنی" تا اخر شمارا در تاریکی میگذارد.

## CARTOON CRISIS

Linda decides the Simpsons can't be her real family. The only smart one in America's favorite cartoon family, Linda believes that her real family must live somewhere in Centerville, and she has got to find them. Could anyone change her mind? Her dad, Hector, might. Watch this **episode** of "The Simpsons" to find out.

### منتقد کارتون

لیندا تصمیم گرفت سیمپتون ها نمیتوانند خانواده واقعی او باشند. تنها باهوش در کارتون خانوادگی امریکا، لیندا، باور دارد که خانواده واقعی باید جایی در سنترویل زندگی کنند و او باید آنها را بیاید. آیا کسی میتواند نظرش را تغییر دهد؟ پدرش؛ هکتور ممکن است. این قسمت "سیمپتون ها" را نگاه کنید تا بفهمید.

New word: English explanation \ معنی فارسی

Extinct: (of a species, family, or other larger group) having no living members/  
منقرض

Medic: a medical doctor, intern, or student/ پزشک، طیب

Endangered: exposed to danger/ در معرض خطر گذاشتن

Psychologist: one trained in psychology/ روانشناس

Romance: a love affair, or a depiction of one in a novel, story, or film/ داستان  
عاشقانه

Prestigious: having prestige; highly esteemed/ با اعتبار

Firm: hard and compact; solid/ شرکت، کارخانه، تجارتخانه، موسسه بازرگانی

Client: one who pays for the services of another, esp. those of a lawyer or other  
professiona/ موکل

Cute: attractive or charming in a sweet or heartwarming way; darling/ بانمک

Episode: each of the separate instalments into which a serialized story or radio or television programme is divided/ قسمت، بخش

| New Word   | Synonym                    | Antonym                      |
|------------|----------------------------|------------------------------|
| Endangered | insecure                   |                              |
| Firm       | hard, solid                | flabby, flaccid, mushy, soft |
| Client     | consumer, customer, patron |                              |
| Cute       | adorable, darling          |                              |